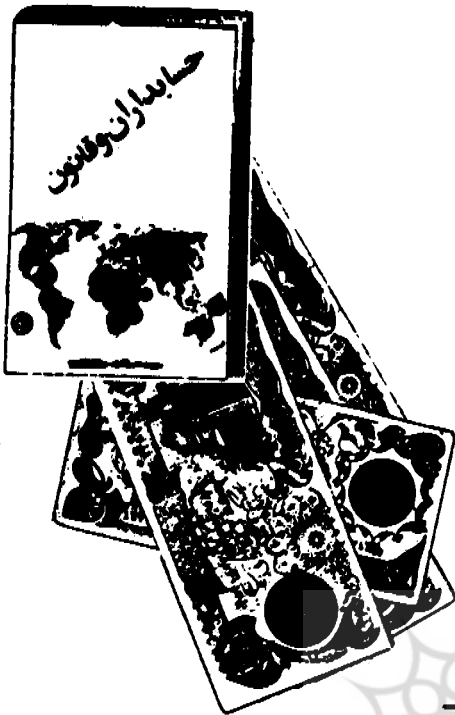


مروری بر: تاریخچه قانون تجارت و شرکتهای سهامی عام و خاص



فصل اول

کلیات

★ هوشنگ خستوشی

"بخش اول؛ تعریف حقوق تجارت"

از دیدگاه اقتصادی فرایند به جریان انداختن و توزیع ثروت تجارت نامیده می شود و براین اساس، صنعت، تجارت و کشاورزی مفاهیم ویژه ای دارند. در حالی که در حقوق تجارت دایره عمل از مفهوم تجارت فراتر رفته و صنعت و کشاورزی را نیز دربرمی گیرد. با توجه به موارد فوق، می توان گفت حقوق تجارت، مجموعه قواعد و اصولی است که روابط حقوقی و معاملات بین تجار و امور تجاری را تعریف و تنظیم می نماید. از آنجا که در حال حاضر دولتها به طور کلی در تولید و توزیع ثروت نظارت دارند تجار نیز موظفاند از مقررات حقوق عمومی پیروی نمایند و بدین طریق حقوق تجارت که در بادی امر یکی از قسمتهای حقوق خصوصی شمرده می شد ارتباطی جدایی ناپذیر با حقوق عمومی یافته است. حقوق تجارت یکی از شقوق حقوق خصوصی است لیکن شایان توجه است که نباید حقوق خصوصی را به حقوق مدنی و حقوق تجارت تفکیک نمود. زیرا دایره عمل آنها از یکدیگر مجزا نیست، حقوق مدنی شامل روابط حقوقی کلیه افراد است ولی حقوق تجارت دربرگیرنده قواعد مربوط به تجار و عملیات تجاری است و در مواردی که حقوق تجارت مسکوت است یا صراحت ندارد به حقوق مدنی می توان مراجعه کرد.

به طور کلی بین اصول حقوق تجارت و حقوق مدنی وجوه افتراق کلی موجود است که همین استقلال حقوق تجارت بوده و آن را مشخص می‌نماید، برخی از این موارد عبارتند از:

۱ - مفهوم شخصیت حقوقی در تجارت که موجب تسهیل امور است.

۲ - مقررات مربوط به ورشکستگی

تا دوران فئودالی که تجارت توسعه زیادی نداشت قواعد بخصوص نیز برای رشته تجارت تدوین نشده بود ولی از قرون وسطی اندک‌اندک اصول و قواعدی در این زمینه شکل گرفت و با انقلاب صنعتی و بسط صنعت بازرگانی نیز نضج گرفت و بدین روی علاوه بر اشخاص حقیقی اشخاص حقوقی که دوره موجودیت آنها محدود به زمان زیست اشخاص حقیقی نیست بسط و توسعه یافت. به طوری که بعضی از علمای حقوق آلمان و ایتالیا رشته جدیدی را به عنوان حقوق اقتصادی پیشنهاد و طرح نمودند که حفاصل بین حقوق خصوصی و حقوق عمومی است و حقوق تجارت نیز بخشی از آن می‌باشد لیکن حدود این رشته جدید تاکنون معین و مشخص نگردیده است.

" بخش دوم: تطور تاریخی حقوق تجارت "

حقوق تجارت منبعت از عادات و عرف متداول نزد اقوام گوناگون است. بررسی و مطالعه این عادات سیر تکامل این رشته از حقوق را روشن می‌سازد. ظهور نیازهای نوین هر دوره احتیاج به پیروی از اصول و قواعد ویژه‌ای را الزام آور می‌سازد لیکن باید گفت مطالعه اصول و قواعد مزبور به آسانی مقدور نمی‌باشد برای آنکه اصول حقوق تجارت همانند اصول حقوق مدنی روشن و مشخص نیست، به طور کلی تحولات حقوق تجارت در دوره‌های زیر تشریح می‌گردد:

دوران قدیم: در کشور باستانی مصر، نشانی از حقوق تجارت به صورت مستقل دیده نمی‌شود، اقتصاد کشور مذکور بر کشاورزی استوار بوده و تجارت که به طور محدود صورت می‌پذیرفته، بیشتر توسط خارجی‌ان مانند یهودیان و بابلیان بوده و سعی دولت بیشتر در منع رباخواری بوده است. ولی به طور کلی و اجمالی در قوانین بابل (حدود ۴ هزار سال قبل) قواعدی راجع به ربح پول، شرکت تجاری و حق‌العمل‌کاری وجود داشته است. فینقی‌ها که تجارت دریایی مدیترانه شرقی را در دست داشتند از قواعدی پیروی می‌کردند که در قرون بعد و تاکنون نیز استمرار دارد. مانند اصل جبران خسارت صاحب‌کالایی که برای نجات کشتی به دریا ریخته می‌شود و از طرف صاحبان

کالاهای محفوظ مانده قابل پرداخت^{است} (در شرکتهای بیمه تحت عنوان "خسارات عام" GENERAL AVERAGE با آنکه یونانی‌ها نیز در حدود هفت قرن قبل از میلاد تجارت و دریانوردی مدیترانه شرقی را در دست داشتند، لیکن قواعد بخصوصی از تجارت آنها در دست نیست لذا می‌توان عنوان نمود که حقوق تجارت یونانی‌ها تابع مقررات عادی و حقوق مدنی بوده است. رومی‌ها نیز حقوق تجارت خاص نداشتند و موارد حادث در چهارچوب حقوق مدنی حل و فصل می‌شده است.

قرون وسطی: از قرن پنجم تا دهم میلادی تجارت در اروپا رونقی نداشت ولی از قرن یازدهم تجارت بخصوص در دولت - شهرهای ایتالیا مانند ونیز، ژن که در میان مدیترانه بودند توسعه و بسط یافت و به علت ناامنی راههای خشکی راههای دریایی بیشتر مورد استفاده قرار گرفت. البته به علت شروع جنگهای صلیبی و نیاز به وجوه لازم جهت ادامه عملیات جنگی صنعت بانکداری نضج و توسعه بسیار می‌یابد. بانکهای اولیه به صورت مؤسسات تجاری معمولاً به این ترتیب تشکیل می‌شد که ثروتمندانی ملزم به پرداخت وام به دولت‌ها بودند و بابت چنین تسهیلات مالی، اکثراً امتیاز تشکیل یک بانک را به عنوان جبران خسارات ناشی از وام اجباری از دولت طلب می‌نمودند. در سال ۱۴۰۷ از یکی شدن چندین مؤسسه طلب‌کار از دولت مؤسسه اعتباری به نام بانکا دی سن جورجو (BANCA DI SAN GEORGIO) در دولت - شهر ژن به عنوان اولین بانک مدرن در اروپا بوجود آمد (ساختمان این بانک در سال ۱۹۴۲ در اثر بمباران جنگ دوم ویران گردید) در این اعصار نفوذ مذهب مسیح و منع اخذ ربا موجب شد که امور بانکی و صرافی در دست یهودیان و اهالی لمباردی که با اجازه مقامات شهر خودشان اصل منع بهره را رعایت نمی‌کردند، متمرکز گردد.

دوره جدید: در قرن هیجدهم، با توسعه روابط تجاری با دنیای جدید و پیشرفت صنعت و توسعه حمل و نقل و بسط امور بانکی و صرافی هر کشور سعی در برقراری و یا ایجاد قواعد و اصول ملی نمود. توسعه عملیات بانکی موجب شد که پس‌اندازهای پنهان شده بکار افتاده و ضمناً اصل منع اخذ بهره منسوخ شود.

با توسعه عملیات تجارتي، اغلب دول سعی می‌کنند در قوانین خود اصول و قواعد تجارتي را پیش‌بینی کنند، دولت - شهرهای ایتالیا با برقراری محاکم تجارتي ویژه، حقوق تجارتي خاصی در نظر می‌گیرند در فرانسه با ایجاد محاکم تجارتي اختصاصی قوانین سلطنتی حقوق مخصوصی برای صنف تجار می‌شناسند که حتی با وجود انقلاب فرانسه و اعلام الغای اصناف اهمیت خود را از دست نمی‌دهد و در زمان ناپلئون بناپارت براساس این قوانین حقوق تجارتي فرانسه تدوین می‌یابد.

دوره معاصر: در این دوران عملیات بانکسی، بیمه، بورس، حمل و نقل توسعه و بسط می‌یابند و شخصیت‌های حقوقی که دارای قدرتهای عظیم هستند بوجود می‌آیند و اوراق بهادار پس‌اندازها را جذب می‌کند.

در این دوران، در ابتدای امر تجارتي تابع اصول عرضه و تقاضا و آزادی کامل بود (تحت نفوذ عقاید فیزیوکراتها و کلاسیکها) ولی در اغلب دولتها با توجه به احتیاجات روز قوانین تجارتي تدوین شد که با مرور زمان تغییراتی در آن داده شده و حتی دولی مانند انگلستان که فاقد حقوق تجارتي به صورت مستقل بودند ملزم شدند فصولی مربوط به امور تجارتي مثل شرکتها و امور ورشکستگی تدوین نمایند.

" بخش سوم: قوانین تجارتي در ایران "

در کشور ما تا قبل از دوره مشروطیت قانون خاصی برای تجارتي وجود نداشت و امور تجارتي نیز مانند سایر امور حقوقی تابع قوانین شرع انور اسلام بود (در شرح لمعه آداب تجارتي طی دستورات بیست و چهارگانه مورد بحث قرار گرفته است) اگر چه در کتب فقهی بابی تحت عنوان تجارتي و باب دیگری در مکاسب وجود دارد، لیکن توسعه و بسط تجارتي با کشورهای اروپایی و به طور کلی منرب رمین موجب گردید قوانین و مقرراتی منبعت از قوانین و اصول و قواعد اروپایی وارد قوانین ایران شود.

اولین قانون در این مورد، قانون قبول و نکول بروات تجارتي که با اهتمام زیاد به منظور مغایر نبودن با قوانین اسلامی در ۹ جمادی‌الاول ۱۳۲۸ قمری مطابق با ۲۹ ثور ۱۲۸۹ به تصویب رسید و یک سال بعد یعنی در ۴ جوزای ۱۲۹۵ مطابق با ۲۶ جمادی‌الاول ۱۳۲۹ بعضی مواد آن اصلاح شد (در این قانون اصول مسئولیت تضامنی امضاکنندگان بروات تسجیل شده است).

در دوره چهارم مقننه با نظر مستشار فرانسوی پرنی اولین قانون تجارت تدوین و در ۲۵ دلو ۱۳۰۳ و ۱۲ فروردین و ۱۲ خرداد ۱۳۰۴ شمسی تصویب گردید. این قانون، ماخوذه از قوانین تجارت بلژیک و فرانسه است و در آن اصولی برای تجار، دفاتر بازرگانی اسناد تجاری، دلالتی، ورشکستگی و بالاخره شرکتهای تجاری در نظر گرفته شده است. بدین ترتیب، قانون تجارت قبل از قانون مدنی به تصویب رسید.

در ۲۴ شعبان ۱۳۳۳ قمری نیز قانون موقتی برای ایجاد محاکم تجارت وضع گردید که قسمتی از مواد آن به موجب قانون تشکیل محاکم تجارت مورخ ۱۴ بهمن ماه ۱۳۰۴ اصلاح گردید. محکمه مزبور که در تهران تشکیل شده بود، سپس به موجب قانون تسریع محاکمات مصوب ۳ و ۱۲ تیرماه ۱۳۰۹ از بین رفت و وظایف آن به محاکم عمومی واگذار شد. (شایان توجه است که اولین شرکت با نام شرکت سهامی عمومی امتعه ایران با سرمایه دو کورور تومان ۲۰ هزار سهم پنجاه تومانی در سال ۱۳۱۸ هجری قمری توسط حاج محمدکاظم ملکالتجار تأسیس گردید و همچنین با توجه به تاریخ ثبت بانک ملی ایران، به احتمال غالب طبق مقررات قانون فوق به ثبت رسیده است).

در نهم فروردین ماه ۱۳۰۴ قانون مخصوص برای علامات صنعتی و تجاری تصویب شد و در دوم تیر ماه ۱۳۰۷ ماده ۲۰۶ قانون تجارت راجع به مدت اعتراض برات اصلاح گردید.

بعد از ثبت تشکیلات دادگستری قوانین دیگری به تصویب رسیده و قوانین مذکور در فوق ملغی گردید و در حال حاضر منابع حقوق تجارت بشرح زیر است:

- ۱- قانون ثبت شرکتهای مصوب دوم خرداد ۱۳۱۰ و آییننامههای اجرایی آن.
- ۲- قانون ثبت علائم تجاری و اختراعات مصوب اول تیر ماه ۱۳۱۰ و آییننامه اجرایی آن
- ۳- قانون تجارت مصوب ۱۳ اردیبهشت ماه ۱۳۱۱ که اساس قانون تجارت را تشکیل می دهد و شامل موارد زیر است:

تجار و معاملات تجاری

دفاتر تجاری

دفتر ثبت تجاری

بروات تجاری؛ چک

دلالتی

حق العمل کاری

قرارداد حمل و نقل
قائم مقام تجارتي و ساير نمايندگان تجارتي

ضمانت

ورشكستگي

نام تجارتي

شخصيت حقوقي

شركتنهای تجارتي

بجز در مورد شركتنهای تعاوني و دلالي و مقررات مربوط به ورشكستگي كه قوانين ديگري بشرح زير دربارهم آنها به تصويب رسيده و بعضي اصلاحات جزئي ديگر كليهم مقررات قانون تجارت به قوت خود باقي مي باشد .

۴ - قانون بيمه مصوب ۷ ارديبيهشت ماه ۱۳۱۶

۵ - قانون راجع به دلالات مصوب ۸ اسفند ماه ۱۳۱۷

۶ - قانون اداره تصفيه امور ورشكستگي مصوب ۱۲ اسفند ماه ۱۳۱۸

۷ - قانون مقررات امور پزشكي و دارويي و مواد خوراكي مصوب ۲۹ خرداد ماه ۱۳۳۴

۸ - قانون راجع به بانكداري مصوب ۵ تير ماه ۱۳۳۴

۹ - قانون شركتنهای تعاوني مصوب ۱۱ مرداد ماه ۱۳۳۴

۱۰ - قانون بانكي و بولي کشور مصوب هفتم خرداد ماه ۱۳۳۹

قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ با توجه به قدمت منابع آن داراي نواقص زيادي بود و كميسيونهای متعددي براي اصلاح آن تشكيل گرديد كه مالا* موجب شد قانون اصلاح قسمتي از قانون تجارت كه در مورد شركتنهای سهامی* مشتمل بر ۳۰۰ ماده به موجب اختيارات ناشيه از قانون اجازه اجرائي موقت لايحه اصلاح قانون تجارت در تاريخ بيست و چهارم اسفند ماه ۱۳۴۷ به تصويب كميسيون مشترك مجلسين سابق رسيده و در تاريخ ۲۶ فروردين ماه ۱۳۴۸ در شماره ۴۰۳۸ روزنامه رسمي منتشر گرديده است جانشين مواد ۲۱ تا ۹۲ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ گردد . موضوع اين مقاله ، به طور كلي بر تحقيق و تتبع در مورد اين قانون استوار مي باشد .

* - گاه در متن به اين قانون به شكل ل. ق. ا. اشاره شده است .

فصل دوم

شرکتهای تجارتي

" بخش اول : تاریخچه شرکتهای "

شرکت از دوران قدیم معمول و مرسوم بوده ولی اهمیت آن به درجه امروز نبوده است . بیشتر شرکتهای دوران قدیم جنبه خانوادگی داشته و براساس اعتماد بنا نهاده می شد و اصل شخصیت حقوقی به شکل امروز متداول نبوده است . به طور کلی ، اصل شرکت برخاسته از اداره اموال خانواده بوده که بعدها مشارکت اشخاص غیر از خانواده نیز به آنها افزوده شده ولی به هرحال اساس شرکتهای به طور کلی به شخصیت شرکا استوار بوده و شرکا شخصا مسئول اعمال شرکتهای بودند .

در حقوق رم شرکتهای مختلط به صورت عاملیت برقرار بوده است که سرمایه داران سرمایه خود را در اختیار اشخاص دیگر می گذاردند . در روی اسلامی نیز انواع شرکت به صورت مختلف پیش بینی شده است بخصوص مضاربه به صورت همان شرکت عاملیت است و همچنین است مزارعه ، مساقات و . . . که براساس قانون عملیات بانکی بدون ربا در حال حاضر نیز مورد عمل قرار گرفته است و علاوه بر آن شرکت نسبی که در حقوق تجارت نیز به آن اشاره شده و در حقوق اروپایی وجود ندارد براساس حقوق اسلامی است . از قرن شانزدهم با توسعه مستعمراتی دول اروپا شرکتهایی ایجاد گردیدند که مسئولیت صاحبان سهام در آنها محدود به سرمایه شرکت بوده و هر کدام از شرکتهای حق انتقال سهام خود را به دیگری داشتند و این روند ادامه داشت تا اینکه در اواخر قرن نوزدهم میلادی برای تشکیل شرکتهای سهامی در اروپا نیاز به اجازه دولت بود که در قرن بیستم قوانین بخصوصی برای تشکیل شرکت وضع گردید .

در فرانسه قانون اصلی شرکتهای سهامی در ژوئیه سال ۱۸۶۷ به تصویب رسید و بعد از آن نیز قوانین جدید دیگری در این مورد وضع شد و بالاخره قوانین شرکتهای با مسئولیت محدود که مختص آلمان بود در سال ۱۹۲۵ وارد قانون تجارت فرانسه شد .

در قانون مدنی ایتالیا که در سال ۱۹۴۲ وضع شد ، ۱۳۷ ماده در مورد شرکتهای سهامی پیش بینی شده و در انگلستان در سال ۱۹۴۸ قانون شرکتهای با ۴۶۰ ماده برای شرکتهای سهامی وضع شد که به تدریج تغییراتی داشته که آخرین آن در سال ۱۹۸۰ بوده است .

در ایران ، قوانین جدیدی برای شرکتهای سهامی در اسفند ماه ۱۳۴۷ با ۳۰۰ ماده وضع گردید که در حال حاضر نیز مورد عمل می باشد .

" بخش دوم : تعریف شرکت "

شرکت تجارتي بيه طور كلي عبارت است از : اينكه چند نفر مالي را براي تجارت و استفاده از منافع آن در ميان مي گذارند . در قانون تجارت ، تعريفی از شرکت وجود ندارد ليکن در ماده ۵۷۱ قانون مدني ايران شرکت به شکل زير تعريف شده است :

" شرکت عبارت است از : اجتماع حقوق مالکين متعدد در شیء واحد به نحو اشاعه " تعريف مذکور به خودی خود کامل نيست و برای تکميل آن بايد به مقررات واضعه در قانون تجارت در مورد شرکتهای مراجعه نمود در حالی که قانون مدني فرانسه (سال ۱۸۳۲) شرکت را به نحو زير تعريف نموده است :

" شرکت عبارت است از : قراردادی که به موجب آن دو يا چند نفر متعهد می شوند شیء را در شرکت بگذارند به اين قصد که منافع حاصله از آن را بين خود تقسيم نمايند " .

ماده ۵۷۶ قانون مدني در مورد شرکت اختياری چنين بيان موضوع می نمايد :

" طرز اداره کردن اموال شرکت تابع شرايط مقرره بين شرکا خواهد بود " .

قانون تجارت برای هر يك از انواع شرکتهای مقررات مخصوصی پيش بينی کرده است که از مجموع آنها می توان قواعد و مقررات مربوط به شرکتهای تجارتي را استنتاج نمود که با در نظر گرفتن اصول و مقررات مزبور شرکت تجارتي را می توان چنين تعريف کرد :

" شرکت تجارتي عبارت است از : سازمانی که بين دو يا چند نفر تشكيل می شود که در آن هر يك سهمی به صورت نقد يا جنس يا کار خود در بين می گذارند تا مبادرت به عمليات تجارتي نموده و منافع و زيانهای حاصله را بين خود تقسيم کنند " .

بر اساس موارد فوق عوامل مشخصه شرکتهای تجارتي به قرار زير خواهد بود :

۱ - تشكيل سازمان مستقل

۲ - همکاري بين دو يا چند نفر

۳ - آوردن حصه

۴ - مبادرت به عمليات بازرگانی

۵ - تقسيم سود و زيان

" بخش سوم : انواع شرکت "

به طور كلي شرکتهای تجارتي به سه طبقه تقسيم می شوند :

الف - شرکتهای اشخاص

این نوع شرکتها، شرکتهایی هستند که شخصیت شرکا در شرکت اهمیت بسیار داشته و اعتبار شرکت وابسته به اعتبار شرکا است و سرمایه شرکت نقش عمده‌ای ندارد مانند شرکتهای تضامنی و نسبی که شرکا بر اساس اعتماد با یکدیگر مبادرت به تشکیل شرکت نموده و نه تنها سرمایه‌ای که در شرکت گذاشته‌اند بلکه داراییهای شخصی شرکا نیز ضامن تعهدات شرکت است و بدین روی شرکا نمی‌توانند آزادانه سهم‌الشرکه خود را به دیگران واگذار کنند.

ب - شرکتهای سرمایه

در شرکتهای سرمایه مانند شرکتهای سهامی و شرکتهای با مسئولیت محدود برعکس شخصیت شرکا اهمیتی آن چنانی ندارد و شرکا فقط تا میزان سرمایه‌ای که در شرکت گذارده‌اند مسئول تعهدات شرکت می‌باشند و مهمتر آنکه شرکا حق دارند سهم‌الشرکه خود را به دیگران واگذار نمایند. در شرکتهای با مسئولیت محدود، اگرچه شخصیت شرکا اهمیت بیشتری دارد و نقل و انتقال سهم‌الشرکه تابع مقررات مخصوصی است ولی همانند شرکتهای سهامی مسئولیت شرکا نسبت به تعهدات شرکت محدود به سرمایه‌ای است که در شرکت گذاشته‌اند.

پ - شرکتهای مختلط

شرکتهای مختلط عبارتند از: شرکتهایی که از دو دسته شریک تشکیل می‌شوند. دسته اول شرکایی که مسئولیت غیرمحدود دارند و دسته دوم، شرکایی که مسئولیت محدود دارند. مانند شرکتهای مختلط غیرسهامی و شرکتهای مختلط سهامی. این نوع شرکتها خود مخلوطی هستند از شرکتهای سرمایه و شرکتهای اشخاص.

به طور کلی این نوع شرکتها، شرکتهای کار و سرمایه هستند که اگر سرمایه به صورت سهام در شرکت گذاشته شود، وضع حقوقی شرکت مخلوطی از مقررات شرکتهای سهامی و شرکتهای تضامنی است و اگر سرمایه به صورت سهم‌الشرکه در شرکت گذاشته شود وضع حقوقی شرکت مخلوطی خواهد بود از مقررات شرکتهای با مسئولیت محدود و شرکتهای تضامنی.

ماده ۲۰ قانون تجارت ایران برحسب نوع شرکت، شرکتهای تجارتي را بشرح زیر تقسیم نموده است:

- ۱ - شرکت سهامی
- ۲ - شرکت با مسئولیت محدود
- ۳ - شرکت تضامنی

- ۴ - شرکت مختلط غیرسهامی
 ۵ - شرکت مختلط سهامی
 ۶ - شرکت نسبی
 ۷ - شرکت تعاونی تولید و مصرف

به نظر می‌رسد با توجه به قوانین واضعه بعدی بتوان شرکتهای دیگری نیز به این تقسیم‌بندی اضافه نمود، مانند شرکتهای سهامی زراعی، شرکتهای کشت و صنعت، به طور کلی این موضوع شایان توجه است که عده‌ای از علمای حقوق شرکتهای تعاونی را شرکت تجاری نمی‌دانند ولی به موجب ماده ۱۹۳ قانون تجارت شرکتهای تعاونی اعم از تولید یا مصرف ممکن است مطابق اصول شرکتهای سهامی یا برطبق مقررات مخصوصی که با تراضی شرکا ترتیب داده شده باشد تشکیل بشود. بنابراین، شرکتهای تعاونی ممکن است به صورت شرکتهای سرمایه یا به صورت شرکتهای اشخاص تشکیل شوند.

همچنین قابل ذکر است که براساس مقررات ثبت شرکتهای، شرکتهای ممکن است به صورت شرکتهای ایرانی و خارجی نیز طبقه‌بندی شوند.

فصل سوم

شرکتهای سهامی

"بخش اول: تاریخچه"

همان طور که قبلاً نیز اشاره شد، قانون تجارت فعلی ایران در اردیبهشت ماه ۱۳۱۱ به تصویب رسید و با تمام کمی و کاستی مدتها نیز مورد استفاده بود. در قانون مزبور مفاد مواد (۲۱) الی (۹۲) اختصاص به شرکتهای سهامی داشت. به علت نواقص متعدد و عدم پاسخ‌گویی قانون مزبور به نیاز کشور مقررات جدیدی با ۳۰۰ ماده در اسفند ماه سال ۱۳۴۷ تحت عنوان "قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت" به تصویب کمیسیون مشترک مجلسین سابق رسید که در حال حاضر مرعی بوده و عملاً در مورد شرکتهای سهامی کاربرد دارد. به نظر می‌رسد بخشی از قوانین مزبور با توجه به دیدگاههای حاکم در زمان خود منبعث از قوانین شرکتهای انگلیس باشد. به هر صورت شرکتهای سهامی موجود براساس مقررات قدیم ملزم گردیدند ظرف مدت چهار سال (این مهلت قبلاً سه سال بود که بعداً به موجب قانون تمدید مهلت تبدیل شرکتهای سهامی مصوب ۲۰ اسفند ماه ۱۳۵۰ مهلت مذکور از تاریخ انقضاء یک سال تمدید شد. ماده ۲۸۴ قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت) وضعیت

خود را با قانون مزبور تطبیق دهند وگرنه منحل شده محسوب می‌شدند ،
در کشور ما ، ایران مقررات مربوط به شرکتهای تجارتی در اولین قانون تجارت که در
سالهای ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴ شمسی به تصویب رسید ، پیش‌بینی شده و قانون تجارت مصوب
۱۳ اردیبهشت ماه ۱۳۱۱ تحت ماده ۲۰۳ مقرراتی راجع به شرکتهای تجارتی پیش‌بینی
نموده است که ۷۴ ماده آن مخصوص شرکتهای سهامی بوده است لیکن با توجه به وضع
قانون اصلاحی ۳۰۰ ماده موضوع قانون موصوف جایگزین قوانین مورد ذکر گردید .

بخش دوم : تعریف و مشخصات شرکت سهامی

مبحث اول تعریف :

شرکت سهامی که کاملترین نوع شرکت سرمایه است ، شرکت تجارتی است که حقوق
شرکا که سهامدار نامیده می‌شوند به وسیله اوراق قابل معامله (سهام) مشخص می‌گردد و
صاحبان سهام فقط تا میزان آورده خود مسئول تعهدات شرکت می‌باشند .
به موجب ماده (۱) از قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب اسفند ماه سال ۱۳۴۷
" شرکت سهامی شرکتی است که سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسئولیت صاحبان
سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آنهاست " .

این تعریف طبق ماده ۲۱ قانون تجارت بشرح زیر بوده است :

" شرکت سهامی شرکتی است که برای امور تجارتی تشکیل و سرمایه آن به سهام تقسیم
شده و مسئولیت صاحبان سهام محدود به سهام آنهاست " .

به طوری که ملاحظه می‌گردد در این مورد تغییر چندانی حاصل نشده است بخصوص
آنکه در قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت در ماده (۲) اشاره به بازرگانی بودن شرکتهای
سهامی شده است . اگرچه طبق قانون تجارتی ایران و بسیاری از کشورهای دیگر تشکیل
شرکت به صورت سهامی به شرکت جنبه تجارتی می‌دهد ، لیکن صرفنظر از موضوع آن ،
صاحبان سهام شرکت سهامی به صرف داشتن سهام ، تاجر محسوب نمی‌شوند .

مبحث دوم ماهیت حقوقی :

به طور کلی در مورد ماهیت حقوقی شرکت دو نظریه معایر هم وجود دارد . یک نظریه
معتقد است که شرکت ، قراردادی بین نیست که بین شرکا تنظیم می‌گردد در حالی که
بر اساس نظریه دوم شرکت نحارتی سخصت حقوقی مستقل دارد .

قانون تجارت ایران تشکیل شرکتهای سهامی را بر اساس عقد و آزادی قراردادهای
خصوصی قرار داده است و هیچ‌گونه اجاره قبلی برای تأسیس آن پیش‌بینی نکرده است ،

لیکن این نظریه که شرکتهای سهامی در اثر عقد، شرکت و قراردادی که بین شرکا منعقد می شود بوجود می آیند . امروزه طرفداران زیادی ندارد برای اینکه شرکتهای سهامی بزرگ به معنای واقعی بین کسانی تشکیل می شود که اغلب یکدیگر را نمی شناسند .

عقاید طرفداران نظریه قراردادی بشرح زیر می باشد :

الف - سهامدار وقتی جزء شرکای شرکت محسوب می شود که قبلاً" با پذیرم - نویسی (یعنی تعهد پرداخت ارزش اسمی سهام) یا خرید سهام شرکت رضایت خود را اعلام نماید و چنین عملی در واقع امضای قرارداد شرکت می باشد .

ب - اختیارات مجامع عمومی ناشی از عقد است و سهامداران به مجامع مذکور اختیار می دهند تا تصمیمات مربوط به امور شرکت را بر مبنای اکثریت آرا اتخاذ نمایند و بدین ترتیب اقلیت ، اراده اکثریت را مورد قبول قرار می دهند .

ماده ۸۸) قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت نیز بجز انتخاب مدیران حکایت از چنین امری دارد .

پ - شرکت سهامی به وسیله نمایندگان انتخابی اداره می شود که این امر بر مبنای عقد وکالت می باشد .

ماده ۱۰۷) قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت .

اما به دلایل مذکور چنین پاسخی داده می شود :

- پذیرم نویسی سهامدار یا خرید سهام به وسیله او عمل ساده ارادی است که سهامدار را به اساسنامه تنظیم شده وسیله مؤسسين شرکت ملحق می سازد و به معنای امضای قرارداد وسیله سهامدار نمی باشد و هر عمل ساده ای ارادی ضرورتاً" موجب قرارداد نیست و از آن گذشته خریدار سهام با خرید سهام اصولاً" نمی تواند اطلاعی از شرایط قرارداد داشته باشد .

- اگر شرکت به عنوان یک عقد پذیرفته شود بایستی مالکین مشاع از تساوی حقوق در اظهار نظر نسبت به اموال مشترک برخوردار باشند در صورتی که در شرکت سهامی تصمیمات می تواند به اکثریت سهامداران به اقلیت تحمیل شود .

- برخلاف مفهوم قراردادی بودن شرکت ، سهامدار به معنای اخص کلمه شریک محسوب نمی شود زیرا اغلب سهامداران یکدیگر را نمی شناسند و هر سهامدار می تواند با فروش سهام خود از شرکت خارج و یا با خرید سهام مجدداً" به شرکت ملحق شود . بدون اینکه در این

موارد نیازی به کسب اطلاع از موضوع شرکت و احیاناً " مفاد کامل اساسنامه به صورت الزامی قبلاً" داشته باشد .

مبحث سوم : انواع شرکت سهامی

ماده ۴) قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت شرکت سهامی را به دو نوع تقسیم می نماید :

نوع اول - شرکتهایی که مؤسسين آنها قسمتی از سرمایه شرکت را از طریق فروش سهام به مردم تأمین می کنند . این گونه شرکتها ، شرکت سهامی " عام " نام دارند .
 نوع دوم - شرکتهایی که تمام سرمایه آنها در موقع تأسیس منحصرأ توسط مؤسسين تأمین گردیده است که این گونه شرکتها را شرکت سهامی خاص می گویند .
 براساس تبصره ذیل همین ماده ذکر کلمه عام و خاص قبل یا بعد از نام شرکت ضروری است که باید در تمام اوراق و اطلاعیه ها و آگهی های شرکت به طور روشن و خوانا تأیید شود .
 به طور کلی برخی از وجوه افتراق شرکتهای مذکور را بشرح زیر می توان برشمرد :

موضوع	ماده قانون	شرکت سهامی عام	شرکت سهامی خاص
سرمایه	(۵)	حداقل ۵ میلیون ریال	حداقل یک میلیون ریال
تأمین سرمایه و افزایش آن	(۴)	از طریق پذیره نویسی عمومی	حق مراجعه به عامه در این مورد ندارد
نقل و انتقال سهام	(۴۱)	مشروط به موافقت نیست	توافق مدیران یا مجامع عمومی
معامله سهام در بازار بورس		قابل معامله است	قابل معامله نیست
تعداد شرکا	(۱۰۷ و ۳)	حداقل ۵ نفر	حداقل ۳ نفر
صدور اوراق قرضه	(۵۱)	حق انتشار اوراق قرضه دارد	حق انتشار اوراق قرضه ندارد
طرح اساسنامه	(۸)	دارد	ندارد

تشکیل و تأسیس شرکت سهامی منوط به رعایت موارد عدیده ای است که در قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت (ل . ا . ق . ت) پیش بینی شده است به طور کلی رعایت موارد زیر الزامی است :

۱ - نام شرکت : شرکت سهامی دارای نام مخصوصی است که از طرف مؤسسين انتخاب می شود و کاملاً مجزا و مستقل از نام سهامداران می باشد . در مکاتبات و اسناد تعهدآور

قید نام شرکت اجباری است. تغییر نام شرکت چون مستلزم تغییر اساسنامه است، جز با تصویب مجمع عمومی فوق العاده امکان پذیر نیست.

۲- مرکز شرکت: شرکت سهامی دارای مرکز اصلی است که اقامتگاه آن محسوب می شود، قید مرکز اصلی شرکت در اساسنامه اجباری است.

۳- تابعیت شرکت: تابعیت هر شرکت سهامی، اصولاً متبع از تابعیت شرکای آن نمی باشد. به طور کلی عملاً هم تابعیت شرکا نمی تواند برای تشخیص تابعیت شرکت ملاکی منطقی باشد، زیرا سهام شرکت دائماً ممکن است در حال خرید و فروش باشد و با هر تغییر عمده ای در این امر در تابعیت شرکت تغییر حاصل خواهد شد. ماده ۶ (۹۴) ل. ا. ق. ت. نیز دلالت بر آن دارد که هیچ مجمعی نمی تواند تابعیت شرکت را تغییر دهد.

۴- دارایی شرکت: در کلیه شرکتهای سهامی دارایی شرکت از دارایی شرکا مجزا است. در شرکتهای سهامی، دارایی شرکت اهمیت مخصوصی دارد و شرکا مسئولیتی در مقابل تعهدات شرکت بجز سرمایه ای که پرداخته اند، ندارند. سرمایه شرکت بعد از پرداخت جزء داراییهای شرکت قرار می گیرد و در طی حیات شرکت ممکن است افزایش یا کاهش یابد تغییرات در سرمایه طی مفاد مواد ۱۰۷ الی ۱۹۸ مورد بحث قرار گرفته است.

بخش سوم: تشکیل شرکتهای سهامی

در قانون تجارت ایران و همچنین قانون ثبت شرکتهای هیچ نوع محدودیت یا کسب اجازه ای خاص برای شرکتهای سهامی پیش بینی نشده است لذا در این مورد در کشور ما آزادی کامل وجود دارد، بدیهی است اصول کلی در نظر گرفته شده برای عقود و قراردادهای در قوانین باید مدنظر قرار گیرد. مثلاً "موضوع شرکت مشروع باشد و یا اگر تشکیل شرکت با توجه به مقررات خاص خواهد بود، رعایت آن مقررات بشود. مثلاً" اگر برای تولید محصولی خاص بخواهند اقدام به ایجاد کارخانه و تأسیس شرکت نمایند، اخذ موافقت اصولی در این مقطع خاص از ضروریات ایجاد است.

برای تأسیس شرکت سهامی یک یا چند نفر به نام مؤسس برای تأسیس شرکت مبتکر و پیشگام شده و مقدمات تأسیس را فراهم می آورند و بخصوص در مورد شرکتهای سهامی عام از اشخاص دعوت می کنند با تعهد سرمایه لازم مجمع را تشکیل داده و با تصویب شرکت نامه و اساسنامه و انتخاب مدیران و بازرسان اساس و شالوده و خط مشی شرکت را تعیین کنند. طبق ماده ۶ (۶) قانون تجارت برای تأسیس شرکتهای سهامی عام، مؤسسین باید لااقل ۲۰٪ از سرمایه را خود تعهد کرده و اقلاً سی و پنج درصد مبلغ تعهد شده را در

حسابی به نام شرکت در شرف تأسیس نزد یکی از بانکها سپرده و سپس اظهارنامه‌ای همراه با طرح اساسنامه شرکت و طرح اعلامیه پذیره‌نویسی سهام به اداره ثبت شرکتها تسلیم و رسید دریافت کنند. بنابراین تشریفات تشکیل شرکت عبارت است از: کلیه اعمال مادی و حقوقی که برای ایجاد شرکت به موجب قانون پیش‌بینی شده است و مؤسسين شرکت را بوجود می‌آورند و طرز اداره و عملیات آن را با رعایت مقررات قانونی پیش‌بینی می‌نمایند. تأسیس ممکن است به صورت فوری و یا تدریجی انجام پذیرد. در صورتی که در موقع تصمیم به تأسیس کلیه شرکای شرکت سهامی معین باشند و سرمایه شرکت را تعهد کنند، شرکت با تصمیم مجمع عمومی مؤسسين راجع به تصویب اساسنامه و شرکت‌نامه و انتخاب مدیران و بازرسان فوراً تشکیل شده و شروع بکار خواهد کرد و یا اینکه در موقع تصمیم، تأسیس کلیه سهامداران معین نیستند و لازم است به وسیله دعوت و تبلیغ سهامداران را جلب نمود تا پس از تکمیل تعهد سرمایه لازم اقدام به تأسیس شرکت شود که تأسیس به تدریج انجام خواهد گرفت. تأسیس فوری بیشتر در مورد شرکتهای سهامی خاص می‌باشد. مفاد مواد (۵) الی (۲۳) (ل. ا. ق. ت) اختصاص به تأسیس شرکت سهامی دارد.

بخش چهارم: سهام

به موجب ماده (۲۴) (ل. ا. ق. ت) سهم قسمتی از سرمایه شرکت سهامی است که مشخص میزان مشارکت و تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت سهامی می‌باشد و رقه سهم سند قابل معامله‌ای است که نماینده تعداد سهامی است که صاحب آن در شرکت سهامی دارد. تبصره (۱) همین ماده تصریح دارد به اینکه سهم ممکن است با نام و یا بی‌نام باشد و در تبصره (۲) تشریح شده که در صورتی که برای بعضی از سهام شرکت با رعایت مقررات این قانون مزایایی قائل شوند این گونه سهام، سهام ممتاز نامیده می‌شوند. به استنباط از مفهوم ماده (۲۴) سهم معرف قسمتی از سرمایه شرکت سهامی است که ممکن است به صورت غیرنقدی نیز باشد. در حالت اخیر، قانونگذار تشریفات خاصی را برای آورده‌های غیرنقدی پیش‌بینی نموده است که اهم موضوع آن در مرحله اول شامل، حمایت از کسانی است که آورده آنها به صورت نقد است و در مرحله دوم حمایت از بستانکاران شرکت در مورد سرمایه واقعی شرکت است.

به هر صورت، مجموع ارزش اسمی سهام سرمایه شرکت را تشکیل می‌دهد که پس از انحلال شرکت هر سهامدار حق دارد مبلغ اسمی سهام خود را (در صورتی که از بین نرفته باشد) دریافت نماید. از این مطلب اختلاف سهم سرمایه‌ای با سهم انتفاعی یا مؤسس

مشخص می‌شود زیرا سهم انتفاعی جزء سرمایه شرکت نبوده و صاحب آن حق مطالبه مبلغ اسمی سهام را پس از انحلال شرکت ندارد لذا به دارنده سهم انتفاعی منافی از سود شرکت (معمولاً کمتر از سود متعلقه به سهم سرمایه‌ای) تعلق می‌گیرد.

سهام یک شرکت حقوق مساوی به دارندگان آن تفویض می‌نماید و به طور کلی همه سهامداران در شرکت سهامی از تساوی حقوق برخوردارند که این حقوق شامل میزان مشارکت، تعهدات و منافع صاحب سهم در شرکت سهامی می‌باشد.

انواع سهام:

به طور کلی سهام شرکت‌های سهامی را می‌توان به انواع زیر تقسیم نمود:

الف - سهم با نام: سهمی است که متعلق به شخص معینی است (اعم از حقیقی یا حقوقی) که نام او بر روی سهم یا در دفاتر سهام شرکت ثبت شده است.

بنابراین، ممکن است در روی سهم نام شخص معینی ذکر شود یا اینکه فقط، ذکر سهم با نام اکتفا گردد، ولی در هر حال، در دفتر سهام شرکت نام صاحب سهم و شماره سهام او باید درج گردد زیرا در مورد سهام با نام دفتر سهام شرکت دلیل مالکیت است و هرگونه نقل و انتقال بدون ثبت در دفتر سهام شرکت اعتبار ندارد.

ب - سهم بی‌نام: سهمی است که بر روی آن نام صاحب آن ذکر نمی‌گردد و به سهولت و بدون انجام هیچ‌گونه تشریفات قابل انتقال است. ماده (۳۹) (ل. ۱۰. ق. ۱) نیز مقرر می‌دارد که سهم بی‌نام به صورت سند در وجه حامل تنظیم و مالک دارنده آن شناخته می‌شود مگر خلاف آن ثابت گردد. بنابراین هرگونه مواردی که در اساسنامه شرکتها برای جلوگیری از نقل و انتقال آزاد این گونه سهام پیش‌بینی شود یا آنکه انتقال سهم را منوط به موافقت قبلی هیئت مدیره نماید، اعتبار نخواهد داشت به موجب ماده (۳۵) (ل. ۱۰. ق. ۱) مادامی که تمام مبلغ اسمی هر سهم پرداخت نشده، صدور ورقه سهم بی‌نام یا گواهینامه موقت بی‌نام ممنوع است. به احتمال غالب سهام محجورین و صغار به منظور حمایت از حقوق آنها اصولاً باید با نام صادر گردد. همچنین به موجب ماده ۱۱۴ (ل. ۱۰. ق. ۱) سهامی که مدیران شرکت برای تضمین در صندوق شرکت به عنوان وثیقه می‌سپارند باید سهام با نام بوده و تا خاتمه مفاد حساب دوره تصدی مدیران غیرقابل انتقال باشد.

پ - سهم ممتاز: با در نظر گرفتن مساوی بودن حقوق دارندگان سهام این سؤال بدواً مطرح خواهد بود که می‌توان رعایت تساوی مبلغ اسمی سهام را برهم زد و حقوق متفاوتی در بعضی از سهام ایجاد کرد؟ اگرچه تساوی حقوق سهامداران یکی از اصول اساسی شرکتهای سهامی است ولی در دو مورد ضرورت ایجاد می‌کند که شرکت سهامی مبادرت به صدور سهام ممتاز نماید.

پ/۱ - در مواقعی که شرکت با مشکلات مالی مواجه می‌باشد، اگر نتواند به آسانی به منابع مالی دسترسی پیدا نماید، ناچار خواهد بود امتیازات بیشتری برای سهامداران جدید قائل شود.

پ/۲ - در هنگام افزایش سرمایه که شرکت از ذخایر مالی خود برای این منظور استفاده می‌نماید و در این صورت باید حقوق بیشتری برای سهامداران سابق شرکت قائل شد زیرا این سهامداران خطرات اولیه مربوط به سرمایه شرکت را تقبل نموده‌اند و اینک در شرایط موفقیت‌آمیز و سودآوری شرکت سهامداران قدیمی حق دارند امتیازاتی نسبت به سهامداران جدید شرکت داشته باشند.

بنابراین، سهام شرکتهای سهامی عام اصولاً دارای حقوق و مزایای مساوی هستند و نسبت به یکدیگر مزیت و رجحان مخصوصی ندارند در صورتی که سهام ممتاز سهامی هستند که نسبت به سایر سهام مزیت مخصوصی دارند، ولی ایجاد این نوع سهام مشروط است به اینکه اساسنامه شرکت چنین اقدامی را تجویز کرده باشد و دیگر آنکه مجمع عمومی فوق‌العاده آن را تصویب نماید. بنابراین اگر مجمع عمومی مؤسسین بخواهد سهام ممتاز را تصویب نماید، از نظر حدنصاب حضور صاحبان سهام و اکثریت لازم برای تصویب آنها باید مقررات مجمع عمومی فوق‌العاده را رعایت نماید. مزایایی که برای صاحبان سهام ممتاز قائل می‌شوند، اقسام مختلف دارد که مهمترین آنها بشرح زیر می‌باشد:

- برداشت سود ثابت از سود قابل تقسیم شرکت

- دریافت منافی بیش از منافع سهام عادی

- اولویت نسبت به صاحبان سهام عادی در برداشت ارزش اسمی سهام ممتاز در

هنگام انحلال و تصفیه و تقسیم دارایی شرکت.

- منظور نمودن دو یا چند حق رأی برای سهام ممتاز در مجمع عمومی

- انتخاب هیئت‌مدیره از بین دارندگان سهام ممتاز

به هر صورت به موجب تبصره (۲) ماده (۲۴) (ل.ا.ق.ت) صدور سهام ممتاز

مشروط به رعایت کلیه مقررات مندرج در لایحه؛ اصلاحی قسمتی از قانون تجارت می باشد
لهذا اساسنامه و مجمع عمومی فوق العاده نمی تواند هر امتیازی را که بخواهد به سهام ممتاز
تخصیص دهد .

ت - سهم مؤسس یا سهم انتفاعی : سهمی است که دارنده آن بدون داشتن
حقی به سرمایه شرکت از منافع شرکت به نسبت سهم خود بهره مند می گردد .
معمولاً این گونه سهام را مؤسسين بابت اطلاعات و دانش علمی و فنی و
تجاری که به شرکت می آورند به خود تخصیص می دهند .

به نظر می رسد با توجه به اعطای تعیین مزایای این گونه سهام به مؤسسين در مجمع عمومی
مؤسس (بند ۷ ماده ۹۰ ل. ۱۰ ق. ۱۰۰) اساسنامه شرکت بایستی حقوق صاحبان سهام مؤسس
یا انتفاعی را از قبیل حق حضور در مجامع ، حق رأی ، حق اولویت در پذیره نویسی سهام
به مناسبت افزایش سرمایه شرکت و حق کسب اطلاع از صورتهای مالی تعیین نماید .
سهام بی نام و با نام قابل تبدیل به یکدیگر می باشند که مقررات آن را قانونگذار
طی مفاد مواد (۴۳) الی (۵۵) تعیین نموده است .

بخش پنجم : ارکان شرکتهای سهامی

به منظور اداره امور شرکتهای سهامی ارکان زیر پیش بینی شده است :

۱ - ارکان تصمیم گیرنده (مجمع عمومی)

۲ - ارکان اداره کننده (هیئت مدیره)

۳ - ارکان کنترل کننده (بازرسی " حسابرس ")

با در نظر گرفتن حقوق صاحبان سهام بالاترین مرجع شرکتهای سهامی مجمع عمومی
است که در حکم قوه مقننه می باشد که اصول و طرز کار و عملیات شرکت را تعیین نموده و
مدیران و بازرسان شرکت را انتخاب و عملیات آن را بررسی نموده و تأیید یا تصحیح می نماید .
تصمیمات مجامع عمومی در صورتی معتبر است که تشریفات مقرر در قانون و اساسنامه
برای دعوت و تشکیل و حدنصاب سهام حاضر و اکثریت لازم در نظر گرفته شده باشد .

به طور کلی مجامع عمومی به انواع زیر تقسیم می شوند :

مجمع عمومی مؤسس - مجمع عمومی عادی - مجمع عمومی فوق العاده

مجمع عمومی مؤسسين - مجمع عمومی مؤسسين اولين مجمعی است که در آن تعهدکنندگان
سهام شرکت حاضر می شوند تا اساس شرکت را تصویب نموده و آن را تأیید کنند بنابراین
وظایف مجمع عمومی مؤسسين به فرار زیر است :

- تأیید تعهد کلیه سرمایه شرکت و پرداخت تمام یا قسمتی از آن که اعلام شده است .
- تصویب تقویم آورده‌های غیرنقدی .
- تصویب اساسنامه شرکت .
- انتخاب مدیران شرکت .
- انتخاب بازرس قانونی .
- تنظیم شرکت‌نامه و تأیید اظهارنامه ثبت شرکت .

مجمع عمومی عادی - مجمع عمومی عادی، مجمعی است که برای امور عادی و جاری شرکت تشکیل می‌شود زیرا صاحبان سهام به وسیله تشکیل مجمع عمومی در اداره امور شرکت با تعیین هیئت‌مدیره و بازرسان دخالت نموده و بعداً نیز عملیات آنها را مورد تأیید و تصویب قرار می‌دهند لذا مجمع عمومی عادی، مجمعی است که به امور عادی و جاری شرکت رسیدگی می‌کند بدون آنکه تغییری در اساس تشکیلات و عملیات شرکت بدهد .

براین مبنا، مجمع عمومی عادی اجباراً در پایان هر سال (یا مدتی بعد از پایان دوره مالی که نمی‌تواند بیش از ۵ ماه باشد) یک جلسه خواهد داشت به نام مجمع عمومی عادی سالیانه . ولی اگر در طی سال نیز برای امور جاری و عادی شرکت تشکیل مجمع عمومی لازم باشد مجمع عمومی مزبور نیز مجمع عمومی عادی خواهد بود و تابع مقررات این گونه مجامع است . در عمل این گونه جلسات به نام مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده نامیده می‌شود .

در مجمع عمومی عادی برای بار اول حضور دارندگان اقلان بیش از نصف سهامی که حق رأی دارند ضروری می‌باشد که هرگاه این حدنصاب حاصل نشد، مجمع عمومی برای بار دوم دعوت و تشکیل خواهد شد که با تعداد رأی عده حاضر رسمیت دارد .

براساس مفاد ماده (۹۳) یک استثنای در حدنصاب وجود دارد . تصمیمات مجمع عمومی عادی همواره با اکثریت نصف به علاوه یک آرای حاضر در جلسه (اکثریت مطلق) رسمی و معتبری باشد مگر در مورد انتخاب مدیران و بازرسان که اکثریت نسبی کافی خواهد بود .

در مورد اکثریت نسبی، توضیح مختصر اینکه فرمول کلی انتخاب مدیران به این صورت است که تعداد آرای هر رأی‌دهنده در تعداد مدیرانی که بایستی انتخاب شوند، ضرب می‌شود و این حاصلضرب نشان دهنده تعداد رأی‌نهایی او خواهد بود . مثلاً اگر شرکتی یکصد سهم داشته باشد و رأی‌دهندگان الف - ب - ج - د به ترتیب ۱۰، ۲۰، ۳۰ و ۴۰ سهم داشته باشند و قرار باشد سه مدیر انتخاب شود، تعداد رأی‌نهایی آنان به ترتیب ۳۰، ۶۰، ۹۰ و ۱۲۰ خواهد بود . این رأی‌دهندگان می‌توانند تمام آرای خود را به یک یا چند نفر از کاندیداهای هیئت‌مدیره بدهند و مدیران به ترتیب از بین کسانی که به

طور نسبی رأی بیشتری دارند انتخاب خواهند شد. بدیهی است در این حالت چنانچه هر یک از رأی دهندگان د، ج و ب منحصرآ آرای خود را به یک کاندید بخصوص بدهند، همین سه کاندید انتخاب خواهند شد و رأی الف کلاً "بلا اثر است و سایر کاندیداها نیز شانس ندارند و در عین حال رأی دهندگان ب، ج، د نیز که هیچ کدام اکثریت مطلق (۵۰٪ به اضافه یک) ندارند. توانسته اند هر کدام یک مدیر انتخاب نمایند.

مجمع عمومی فوق العاده - مجمعی است که برای تغییرات در اساس شرکت تشکیل می شود که به طور معمول شامل:

- افزایش سرمایه

- کاهش سرمایه

- تغییرات اساسنامه

- انحلال شرکت قبل از موعد یا تغییر نوع شرکت

مجمع عمومی فوق العاده، می تواند هر موقعی که لازم باشد دعوت شود. مجمع عمومی فوق العاده، هنگامی رسمیت خواهد داشت که حداقل دارندگان بیش از نصف سهامی که حق رأی دارند یا نمایندگان آنها در جلسه حاضر باشند در صورت عدم رسیدن به حدنصاب برای دعوت دوم یا حضور بیش از ثلث دارندگان سهام با ذکر نتیجه دعوت اول جلسه رسمیت می یابد. تصمیمات مجمع عمومی فوق العاده با شرکت $\frac{2}{3}$ آرای صاحبان سهام حاضر در جلسه معتبر خواهد بود.

(مواد ۸۴ و ۸۵ ل. ۱۰. ق. ت)

مدیران شرکت یکی از ارکان شرکت است که دارای وظایفی می باشد که به موجب قانون به آنها تفویض شده و مسئولیت آنها در مقابل شرکت است نه شرکا.

به هر صورت، شرکتهای سهامی عام و خاص به وسیله هیئت مدیره ای که از بین سهامداران انتخاب شده و کلاً "یا بعضاً" قابل عزل می باشند اداره می شود. عده اعضای هیئت مدیره در شرکتهای سهامی عام حداقل ۵ نفر (سهامی خاص نباید کمتر از سه نفر باشد) است. (مفاد مواد ۱۰۷ و ۳ ل. ۱۰. ق. ت).

به موجب ماده ۱۱۸ (ل. ۱۰. ق. ت) مدیران شرکت جزء درباره موضوعاتی که به موجب مقررات این قانون اتخاذ تصمیم و اقدام درباره آنها در صلاحیت خاص مجامع عمومی است دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت می باشند مشروط بر آنکه تصمیمات و اقدامات آنها در حدود موضوع شرکت باشد. محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجامع عمومی فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر

بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است".
با توجه به وظایف مجامع عمومی و فوق‌العاده، اختیارات مدیران محدود می‌گردد.
در شرکت سهامی کنترل اداره، امور شرکت برعهده سهامداران است این کنترل به
وسیله حق کسب اطلاع از امور شرکت و حق رأی در مجامع متجلی می‌گردد لیکن براساس
تجربه ثابت شده که کنترل سهامداران کافی نبوده و تقویت آن ضروری است و براساس همین
اصل بازرس یا بازرسان شرکت که منتخب سهامداران می‌باشند، به نمایندگی از طرف آنان
ترازنامه و حسابهای شرکت را کنترل نموده و مجامع را از نتیجه آن و سایر امور شرکت و
عملیات مدیران آگاه می‌سازند. بدون آنکه حق مداخله در مدیریت شرکت را داشته باشند.
قانون اصلاحی تجارت نقش بازرس (حسابرس) را نسبت به قانون سابق بسیار مؤثر و
فعال نموده است.

فهرست منابع

- دکتر دامغانی محمدتقی
دکتر عرفانی محمود
دکتر سوده تهرانی حسن
مجموعه قوانین تجاری
حقوق تجارت جلد‌های ۱ و ۲
حقوق تجارت جلد‌های ۱ و ۲
منابع مختلف کتب حقوقی.

